



به این جهت عیسی نیز در خارج از دروازه شهر رنج دید تا مردم را با خون خود از گناهانشان پاک سازد. پس بیایید تا به خارج از اردوگاه نزد او برویم و در ننگ و خواری او شریک شویم، 14 زیرا برای ما در این جهان هیچ شهری ابدی نیست و به این جهت ما جویای شهری هستیم که بزودی ظاهر می‌شود.

مردم برای عید فصح در شهر اورشلیم جمع شدند. آنها از تمام نقاط جهان آمده بودند. و حال و هوای مهمانی بود ... این عید پاک باید بهترین جشنه باشد زیرا حتی قهرمان معرفی عیسی مسیحی نیز روی الاغ آمد. ... وقتی همه چیز زیباتر بود و وقتی فکر می‌کردند که همه چیز فقط می‌تواند بهتر شود، ناگهان همه چیز تغییر شده بود ... بله، همه چیز بر عکس هوای مهمانی تغییر بود. ... دقیقاً

مثل اینکه کسی اهرمی را در فضا کشیده بود و کل سرنوشت جهان ناگهان وارونه کرد. هرچه خوب بود بد به شریک تغییر کرد، هر آنچه مقدس بود نجس اعلام می‌کرد، تنها کسی که بدون یک گناه بود به گناه سپرده شده است. عیسی، که فقط به عنوان پادشاه یهودیان خوانده می‌شد، با جنایتکار بیرون شهر کشانده شود! در حالی که قاتل آزاد شد، شفا دهنده اعدام شده بود. کسی که زندگی را خلق کرد، خودش به مرگ سپرده است! کسی که نور است تاریک می‌شود. ناجی جهان مجبور بود بدون منجی بماند. وسایل زندگی جهان باید مانند زباله در خارج شهر دفع شود.

در آلمان یک روز قبل از روز خاکستری جشنه مهمانی بزرگ است. مثل هر سال امسال اینگونه بود... و سپس اولین خبر بد آمد. ابر نیره ای روی نور در این-و مستقلان آمد. دیگر ایالت های فدرال به زودی هم خبر بد اعزافه کردند. و بیروس بطور نمایی در همه جا گسترش بوده است. سرانجام، تمام آلمان فلج شد. بزرگترین کارخانه ها متوقف شدند، هواپیماها در زمین مانده بودند، مدارس بسته شدند و حتی مراسم ها در سراسر کشور لغو شده هستند. به خاطر یک توپ کوچک که دارای جوانه های زشت است. آن موجودی را کرونا به نام برد! و بیروس شناسان اوضاع را خیلی دقیق تجزیه و تحلیل می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند: موجودی کوچکی که ما را آلوده کرده هر زمان فردی به شخصی دیگر منتقل می‌شود. و تا بی نهایت کل جهان آلوده می‌شود. بنابراین شما باید از این پس تمام مخاطبین اجتماعی را قطع کنید! و خود را از افراد دیگر فاصله بگیرید. این کار ما را نجات خواهد داد! این همان چیزی است که بیروس شناسان می‌گویند. گناه بسیار شبیه و بیروس انسان آلوده می‌کرد. گناه اول بسیار کوچک بود. شاید فقط یک اندیشه کوچک بود ... این فکر به زود منجر به عمل کرد... و بعد از آن مرگ فرا رسید. گناهی که با آدم و حوا آغاز شد از آن زمان بصورت نمایی گسترش یافته است. این گسترش نمایی نیز می‌تواند در ما مشاهده کنیم. بر خلاف بیروس کرونا، هیچ استثنائی برای گناه وجود ندارد. ما می‌توانیم علائم را به اندازه کافی پنهان کنیم، اما گناه باقی می‌ماند ... یک فکر حسود به سرعت منجر به تلخی، سرانجام حتی نفرت پیش می‌آید. یک کلمه غیر دوستانه سردی را به قلب شما می‌آورد. روابط از هم جدا شده و مردم دیگر نمی‌توانند زندگی در کنار هم تحمل کنند. در پایان آن رویداد همیشه همان نتیجه دارد. ما آنقدر گرفتار گناه و پیچیده شده ایم که دیگر نمی‌توانیم زندگی کنیم. نتوانست امیدوار باشیم و دیگر نتوانیم ایمان بیاوریم .... پس از همه، فقط مرگ فرا می‌رسد. چه کسی و بیروس گناه پاک خواهد کرد؟ یک مداخله اساسی برای گناه وجود دارد. بله، شما نمی‌توانید برش رادیکال تر را تصور کنید. عیسی مجبور بود از حضور خدا خارج شود. او مجبور بود به مردم برود. او مجبور بود به آنها نزدیک شود، حتی اگر این هزینه زندگیش را بپردازد. حضور عیسی باعث خلاف و بیروس گناه می‌شود. نزدیکی او گناه را پاک می‌کند ... مردم را به خدا باز می‌گرداند. آنها را تقدیس می‌کند. اما عیسی نه تنها باید از بهشت می‌آمد ... او همچنین باید از زمین خود جدا شود. عیسی مجبور بود از شهر خود خارج شود. او مجبور بود با ننگ روی تپه گلگوتا بمیرد. جایی که همه سطل زباله را پرتاب شده بودند ... اینجاست که عیسی می‌بایست برود. ه. او مجبور بود از جامعه خارج شود ... و این کار عیسی باعث زندگیم و ازادیم است. نامه عبرانیان یک چالش عجیب و غریب را به ما می‌دهد: «بیایید بیرون از اردوگاه که عیسی در آن قرار دارد برویم. ننگ او را تحمل کنیم! چه کسی این را می‌خواهد؟ می‌خواهد در جائیکه عیسی قرار دارد باشد. چه کسی می‌تواند این کار را انجام دهد؟ همه ما جایگاه خود را در جهان داریم و چه کسی می‌خواهد یک مرگ وحشتناک را در یک تپه تنهای در اورشلیم متحمل شود؟ ... ما خانواده هایمان داریم، شغل هایمان را داریم، خانه هایمان را داریم. ما این چیزهایی را داریم که می‌توانیم به آنها اعتماد کنیم ... این چیزهایی که زندگی ما را می‌بخشد. و با این حال دقیقاً در این نیازهای سروری دیگر امنیت نداریم. جهان ما به هم خورده است ... هیچ چیز امن نیست. این بیروس نه تنها در بدن افراد پخش شده است .. در

سر انسان نیز وجود دارد .. اضطراب در حال گسترش است .. مردم دیوانه می شوند - آنها برای زنده ماندن دستمال توالت می خرنند ... شاید مردم به طور غریزی واکنش نشان دهند زیرا آنها قبلاً گمان می کنند که جهان ما با چالشهای بزرگتر از ویروس روبرو است. اگر حتی یک ویروس کوچک ما را به آستانه فاجعه بکشاند ، چه باید بکنیم اگر چالش های بزرگتر پیش می آید. و در حالی که ساعت به تیک زدن ادامه می دهد ، متوجه می شویم که روزها برای ما نیز شمرده می شود. جهان و زندگی ما تاریخ انقضا دارد - کجا باید برویم؟ به چه چیزی می توان اعتماد بکنیم؟ چه چیزی در زندگی به ما خواهد ماند؟ اونجا در کوه گلگوتا! جای شماسنت نامه عبری ها به ما می گوید. در نقطه روی صلیب می بینیم چگونه سؤالات بزرگ و نیازهای اساسی جهان به هم نزدیک می شوند. صلیب نقطه ای در جهان ما است که در آن زمان عمیق ترین تاریکی و روشن ترین نور ملاقات می کنند. زندگی ابد و زندگی فانی ، مرگ و زندگی در آنجا جمع می شوند. وقتی نامه عبری ها به ما می گوید: بیایید به اورشلیم برویم ... به گلگوتا ، او نمی خواهد بگوید که همه ما ، مانند عیسی ، باید گناه خود و گناه جهان را در آنجا تحمل کنیم. خدا را شکر که لازم نیست! عیسی مسیح را شکر که ویروس گناه را از جهان به وجود آورده آید. پس بیایید به گلگوتا برویم. بیایید با عیسی باشیم وقتی مردم با عیسی ملاقات می کنند ، می بینیم که دو چیز دوباره و دوباره اتفاق می افتد. از یک طرف ، نگرانی فوری ، زیرا عیسی همه چیز را می بیند! و از طرف دیگر ، فریادهای فراوان برای کمک و دعاهای فراوان ... آنها از کوه گلگوتا صدا می کنند ... یک مداحی در سراسر جهان ... در طول نسل های بسیاری. تا به امروز ... شما عیسی را قربانی کردید روی صلیب ... اما در عین حال او همچنان کهن بزرگ بود که گفت: "خداوند آنها را ببخش زیرا آنها نمی دانند چه می کنند!" شما کاریکاتوری از پادشاه جهان ساختید: و سربران اعلام کرد: "ببین این حقیقتاً پسر خدا بود ...!" آنها او را مسخره کردند که باید نبوت کند چه کسی او را تف کرد ... و او این کار را کرد: "امروز شما در بهشت با من خواهید بود!" من می خواهم در او بمانم. ... زیرا جای دیگری وجود ندارد: آمین.